

باز می‌گردد. در سال ۱۸۶۷ «جیمز کلارک ماکسول» (Maxwell)، فیزیک‌دان اسکاتلندی، امواج الکترومغناطیسی را کشف کرد. حدود بیست سال بعد «هانیویش هرتز» (Hertz)، فیزیک‌دان مشهور آلمانی، دنیای تحلیفات ماکسول را گرفت و کشف کرد که امواج الکترومغناطیسی با سرعت نور در فضا پخش می‌شوند. وی در آزمایشگاه خود برای نخستین بار آنچه را که امواج هرتز نامیده می‌شود و بعدها امواج رادیویی نیز شهرت یافت پدیدورد. هرتز معتقد بود که هوا همچون آب از مولکول‌هایی به هم فشرده تشکیل شده و بنابراین این همان طور که با پرتاب کردن سنگی در آب، امواج متحدالمرکز به وجود می‌آید در فضا هم در اثر تولید صدا، امواج الکترومغناطیسی ایجاد و منتشر می‌شود و اگر دستگاه حساس و دقیقی موجود باشد می‌تواند این امواج را بگیرد و ضبط کند. «لوئید برانلی» (فیزیک‌دان فرانسوی و مخترع کوهرر) با بهره‌گیری از قابلیت هدایت و اشاعه‌ی ذرات، دستگاه اولیه‌ی پخش امواج الکترومغناطیسی را ساخت. وی در سال ۱۸۹۲ به کمک فرستنده‌ای آنتن دار و یک گیرنده، موفق به پخش و ضبط اصوات شد. چندی بعد «اولیور لاج و ارنست راترفورده» (Rutherford)، فیزیک‌دانان انگلیسی) موفق شدند به وسیله‌ی امواج، از راه دور پیام ارتباطی مودم برقرار کنند. سرانجام نوبت به

گفتار و مخاطب «الگری ارسطو» در دنیای ارتباطی واحد و مشترکی قدم می‌گذارند. این همان جنبه‌ی فوری و صمیمانه رادیوست که می‌تواند یک نوع تجربه‌ی خصوصی و شخصی نیز به حساب آید. رادیو قدرتی عمیق دارد که

مشخصد. در دنیای مدرن قرن بیستم و در مبحث ارتباط جمعی یا communication Mass و وسایل ارتباط جمعی یا Media-Mass عنایت و توجه بیشتر به مدل شانون و ویور معطوف است. ارتباط جمعی با اختراع وسایل ارتباط جمعی نوین، وارد

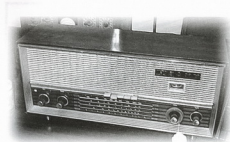
مک لوهان: «رادیو قدرتی عمیق دارد که تا حدود آگاه اثر می‌گذارد و همه چیز را دربر می‌گیرد. رادیو می‌تواند ارواح و اجتماع را یکسازد. قدرت رادیو به توانایی طبل‌ها و شیپورهای قبایل بدوی شباهت دارد. آیا کسانی که در پیدایش رادیو سهمی ایفا کردند، از قدرت تأثیر گذاری آن آگاهی داشتند؟»

تا خود آگاه اثر می‌گذارد و همه چیز را دربر می‌گیرد. رادیو می‌تواند ارواح و اجتماع را یکسازد. قدرت رادیو به توانایی طبل‌ها و شیپورهای قبایل بدوی شباهت دارد. آیا کسانی که در پیدایش رادیو سهمی ایفا کردند، از قدرت تأثیر گذاری آن در ارتباطات بخصوص ارتباطات جمعی آگاهی داشتند؟

○ پیدایش رادیو

تاریخچه‌ی پیدایش رادیو به اختراع تلفن و کشف برقی در اواخر قرن نوزدهم

عصر جدیدی شد و از اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم در پی پیشرفت علوم بخصوص علم فیزیک، به قول «مارشال مک لوهان» در عرصه‌ی وسایل ارتباط جمعی، انفجاری به وقوع پیوست. رادیو یکی از این محصولات و دستاوردهای علوم جدید است. در کتاب «آینه‌های جیبی» آقای مک لوهان می‌خوانیم که: «رادیو بسیاری از مردم را صمیمانه تحت تأثیر قرار می‌دهد. به وسیله‌ی رادیو، نویسنده، گوینده و شنونده (گوینده،



بعد از اختراع ترازیستور و به کارگیری آن در رادیو در دهه ۱۹۵۰ این وسیله ی ارتباطی با سرعت و وسعت بیشتری مهاگیر شد تا جایی که امروز هیچ نقطه ای از عالم را نمی توان یافت که از قلمرو امواج رادیویی خارج باشد.

سارنوف به سال ۱۹۱۶ پاداشتی برای رئیس شرکت مارکنی آمریکا که او را استخدام کرده بود فرستاد و در آن برای اولین بار از امکان «جمعی موسیقی» در منازل سخن به میان آورد. البته در آن زمان کسی به پیشنهاد او که رادیو را از صورت اولیه بیرون می آورد توجهی نکرد. ۱۹۱۶ سالی بود که ایرلندی ها در عهد پاک، شورش کرده بودند و رادیو نیز جریان را برای اولین بار بخشش کرده بود. قبل از آن از رادیو یا هر وسیله در کشتی ها برای تماس گرفتن با سواحل استفاده می شد و به همین دلیل آن را نوعی تلگراف می دانستند که جز انجام این کار، وظیفه ی دیگری از آن ساخته نیست. اما وقتی ایرلندی ها شورش کردند، از رادیو برای انتشار خبر استفاده شد. برای اولین بار در این رویداد، رادیو فقط به صورت تلگرافی که در نقطه را به یکدیگر مربوط می سازد به کار گرفته نشد. در انتظار خبر، امید این بود که کشتی ها در دریا، جریان واقعی را دریافت کنند و آن را سرانجام در اختیار روزنامه های آمریکایی قرار بدهند. در نوامبر ۱۹۱۷ «روزنامه اورورا» (Aurora) تعلیمات کیمبئی الفلابی را توسط امواج رادیویی به نیروهای ارتش سرخ در ناحیه ی «نورواگه» مخابره کرد.

کار رادیو بعد از جنگ جهانی اول و با آغاز صلح و آرامش رونق یافت. بزودی برنامه های مرتسی در کشورهای متعدد

(نیوفاندلند) ارسال کند. آن روز را می توان تاریخ واقعی اختراع رادیو به شمار آورد. تا این زمان، پیام های رادیویی به وسیله ی الفبای مورس مخابره می شد.

«فستون» (فیزیک دان کانادایی - آمریکایی) قدم دیگری در این راه برداشت و توانست امواج صوتی را بر روی امواج

مک لوهان درباره ی رادیو می گوید: «رادیو بسیاری از مردم را صمیمانه تحت تأثیر قرار می دهد. به وسیله ی رادیو، نویسنده، گوینده و شلوغنده در دنیای ارتباطی وارد و مستقر می گرداند. این همان جنبه ی فوری و صمیمانه ی رادیوست که می تواند یک نوع تهر به ی قصه می و شخص نیز به مساب آید..»

رسال جامع علوم انسانی

رادیویی فرستاد. در سال ۱۹۰۹ مارکنی مشترکاً با «براون»، جایزه ی نوبل را دریافت کرد. رادیو یا بی سیم اولیه، از نظر مردمی که به سختی می توانستند ظهور شکل جدیدی از تکنولوژی را بپذیرا شوند، شکلی از تلگراف به حساب می آمد و حتی آن را با تلفن نیز مربوط نمی دیدند. «دیوید

مارکنی» رسید تا گام اصلی و نهایی را بردارد. در سال ۱۸۹۴، وی به دنبال مطالعه ی رساله ای درباره ی امواج الکترومغناطیسی به این اندیشه افتاد تا از امواج مذکور برای انتقال پیام استفاده کند. یک سال بعد، یک دستگاه تلگراف بی سیم تعبیه کرد که توسان گر هرتز، فرستنده و کوهرر برانلی، گیرنده ی آن بود. مارکنی بتدریج کوشید تا ارسال پیام را به مسافت های دورتری امکان پذیر سازد. در سال ۱۸۹۵ پیامی از اتاق به باغ خود فرستاد، بعداً پیامی به مسافت یک و نیم کیلومتری مخابره کرد. چون در ایتالیا اختراع وی مورد استقبال قرار نگرفت به انگلستان رفت و در آنجا پیامی را تا فاصله چهارده و نیم کیلومتر ارسال داشت در سال ۱۸۹۷ بار دیگر به ایتالیا مراجعت کرد و از مسافت های یک کیلومتری چنگی در نوزده کیلومتری پیامی مخابره کرد. یک سال بعد، از انگلستان پیامی را به مسافت بیست و نه کیلومتری ارسال داشت. زمانی که «ملکه ویکتوری» در جزیره ی ولایت بیمار شد، مارکنی چگونگی حال او را به انگلستان مخابره کرد. این واقعه موجب شهرت و رواج کار مارکنی شد و با عوایدی که از این طریق کسب کرد توانست دستگاه های قوی تری بسازد. سرانجام در ۱۲ دسامبر ۱۹۰۱، مارکنی موفق شد نخستین پیام را بر فراز اقیانوس اطلس از جنوب غربی انگلستان (پالیدی) به کانادا



در ۱۹۶۰ به ۳۷۰ میلیون دستگاه رسید. بعد از اختراع ترانزیستور و به کارگیری آن در رادیو در دهه ۱۹۵۰، این وسیله ی ارتباطی با سرعت و وسعت بیشتری جهانگیر شد تا جایی که امروز هیچ نقطه ای از عالم را نمی توان یافت که از فلرو امواج رادیویی خارج نباشد. هم اکنون هزاران ایستگاه فرستنده ی رادیویی دولتی و خصوصی در سراسر جهان، برنامه پخش می کنند و برخلاف توسعه ی حیرت انگیز تلویزیون و گسترش و رواج سایر رسانه های جمعی، هنوز هم برای استفاده ی عموم، هیچ وسیله ی ارتباط جمعی که از رادیو سریع تر و سهل الوصول تر باشد وجود ندارد.

با مروری در تاریخچه ی رادیو در جهان، چند حقیقت مهم معلوم می شود: اول موقعیت و اهمیت است که اطلاعات و موسیقی از همان ابتدا به دست آورد، در حالی که رپرتاژ مستقیم و ضبط صدا دار که می توانست به همان درجه از اهمیت و مقبولیت برسد از ابتدا مورد توجه رادیو واقع نشد؛ «ادگارمون» در این باره می گوید که: «رادیو همچون سینما به دلایلی که در عین حال، هم مربوط به طبیعت انسانی و هم مربوط به تمدن های ماست، به جانب ساختن جهانی تخیلی کشیده شده است و موزیکالیزاسیون رادیو، منسوب به شنونده و رفتار عاطفی نیمه جادویی اوست.»

می کنند و رادیو در عین حال به یک وسیله ی تبلیغاتی - سیاسی در سطح بین المللی تبدیل می شود. قبل از ۱۹۳۰ رادیو مسکو برنامه هایی به زبان های مختلف پخش می کند. در ۱۹۳۳ آلمان نازی شروع به پخش برنامه های مخصوص امریکای شمالی می کند. در ۱۹۳۹ پیش از ۲۵ کشور به وسیله ی رادیو با شنوندگان خارجی تماس برقرار می کنند و در طول مدت جنگ جهانی دوم (۱۹۳۹ - ۱۹۴۵)، جنگ امواج، قدرت سیاسی رادیو را ثابت می کند. سومین مرحله، بعد از جنگ جهانی

ایجاد شد. در سال ۱۹۲۰ ایستگاه رادیویی مارکنی به پخش برنامه های سرگرم کننده و تفریحی پرداخت. در سال ۱۹۲۷ نه تنها رادیو به عنوان وسیله ی اطلاعاتی بزرگ در تمام اروپا پذیرفته شد بلکه به عنوان ماشین انتقال صوت موسیقی شناخته شد، هر چند که کیفیت صدا در آن زمان ناپطوب بود.

دوره ی دوم از سال ۱۹۲۷ تا ۱۹۴۰ است که عصر بلوغ رادیو نام گرفته است و در آن سال ها پیشرفت های فنی قابل ملاحظه ای به دست آمده و دیگر فقط آماتورها و دوستداران کارهای مکانیکی

بعد از جنگ جهانی دوم عصر «فرهنگ رادیو فولیک» آغاز می شود. ویژگی این عصر گسترش و توسعه گیرنده های رادیو، پیشرفت های فنی، بهبود برنامه ها و بخصوص رقابت بیش از پیش هراس انگیز تلویزیون است.

دوم آغاز می شود که به عصر «فرهنگ رادیو فولیک» معروف است. ویژگی این عصر: گسترش و توسعه گیرنده های رادیو، پیشرفت های فنی، بهبود برنامه ها و بخصوص رقابت بیش از پیش هراس انگیز تلویزیون است. تعداد دستگاه های گیرنده ی رادیو در سال ۱۹۴۹ در تمام دنیا صد و پنجاه میلیون دستگاه بود که در ۱۹۵۹ به ۳۱۵ میلیون و

نسیخته که به رادیو توجه پیدا می کنند. اطلاعات و اخبار و موسیقی، نقش اساسی خود را حفظ کرده است، اما برنامه های نوع دیگر (وارته و نمایش) هم به وجود می آیند.

در بسیاری از کشورهای اروپا، دولت سهمی در امر پخش رادیویی دارد و پست های فرستنده ی خصوصی به تعادل خود، زمینه ی جدی را به نفع دولت رها

راه‌پو و زبان فارسی

راه‌پو و زبان فارسی

● نویسنده: دکتر محمدرضا ترکی
مدیر شبکه فرهنگ

تذکرات لازمه به مشارالیه داده و سفارش کردم طرز سخن گوئی خود را عادی و طبیعی و معمولی نموده، از تصنع و تکلف که به گوش شنوندگان سنگین می‌آید، خودداری کند. مشارالیه هم تذکرات را به کار برده و فعلاً بهتر از پیش سخنرانی می‌کند. (۱) چند سال بعد، وقتی که رضا خان با انگولیری از رادیوی ترکیه، دستور تأسیس رادیو را در ایران صادر کرد، عطایای قوم به این نکته پی‌بردند که این رسانه تأثیر گذار و فراگیر می‌تواند آثار مثبت و سازنده و احیانا آثار بالقوه مخربی بر زبان و موسیقی این مملکت بگذارد. به این علت بود که همزمان با تأسیس رادیو، تدبیراتی برای جلوگیری از این آثار سوء اندیشیده شد؛ از جمله مقرر شد سعید غنسی - از فضلای معروف آن دوره - همه روزه در استودیوی رادیو که در آن روزها به «بخش صدا» معروف بود، حضور یابد و واژه‌های اخبار را به گویندگان پیامرود و اشکالات آنها را رفع کند.

متأسفانه این تصمیم چنان که شاید و باید اجرا نشد. سعید غنسی گرفتاری‌های دیگری هم داشت و نمی‌توانست تمام روز در استودیو حاضر شود. این بود که کار غلط خوانی بالا گرفت. تا آنجا که نخست وزیر وقت، یک سال بعد از تأسیس رادیو، در نامه‌ای به وزیر پست و تلگراف و تلفن از غلط خوانی‌های مکرر گویندگان گله کرد:

«... لیکن فحشش که بیشتر مورد توجه است، مرا اذیت دائمی در کار گویندگان و پرورش علمی آنهاست که گننازهای فارسی و به زبانهای بیگانه را - به طوری که کراوا شنیده شد - غلط نخوانند.» (۲)

متأسفانه این دستور نخست وزیر و اقدامات سایر مسئولان وقت و بی‌وقت افاقه نکرد. اگر می‌کرد، هفت سال بعد - به تاریخ فروردین ۱۳۲۷ - مرحوم دکتر رضازاده شفق، خطاب به یکی از مسئولان این چنین نمی‌نوشت:

برای کنترل کامل اغلاط فارسی و تاریخی و جغرافیایی، حتیاً باید شخص وارث یا سواد مقلی، در آنر نشد، در شخص، یا

رادیو در میان رسانه‌های موجود، بیشترین رابطه و سختیت را با زبان و ادبیات دارد و بیش از اغلب رسانه‌ها از کلمه و کلام سود می‌برد، به ویژه نوعی تجانس و هم‌خوانی میان رادیو و شعر احساس می‌شود. سه عنصر اساسی شعر - یعنی «تخیل»، «موسیقی» و «واژه» - به نحوی در رادیو نیز حضور دارند؛ به گونه‌ای که با حذف عنصر خیال‌آفرینی، بخش از جذابیت رادیو از میان می‌رود و با کنار نهادن واژه و موسیقی تقریباً چیزی از این رسانه باقی نمی‌ماند.

با وجود تجانس و هم‌خوانی یاد شده، رادیو، در کنار خدمات چشمگیر خویش به زبان فارسی، خواسته یا ناخواسته لطماتی نیز بر پیکر این زبان وارد کرده است. ماجرای رادیو و زبان فارسی، ماجرای سنگ و شیشه است که با وجود تجانس و خویشاوندی ذاتی، در مواردی حالت شکننده‌ای میان آنها بروز می‌کند. به قول آن شاعر:

شیشه نزدیک‌تر از سنگ ندارد خویشی

هر شکنستی که به هر کس برسد از خویش است!

در این مقاله می‌گوئیم ضمن اشاراتی کوتاه، ابعاد مثبت و منفی رابطه رادیو و زبان فارسی را مورد تأمل قرار دهیم. نگاهی به گوشه‌هایی از تاریخچه رادیو در ایران ما را در رسیدن به مقصود پاری خواهد کرد.

مشکل غلط خواندن واژه‌های فارسی، عمری به درازنای عصر رادیو در ایران، بلکه طولانی‌تر از آن دارد. جالب است بدانید اولین گوینده برنامه فارسی که می‌شناسیم، فارسی را به لهجه غلیظ آذری ادا می‌کرده است! او شخصی بود به نام «اسماعیل نامق» که در بخش فارسی رادیوی ترکیه کار می‌کرد و وظیفه داشت شخصاً اخبار را به زبان فارسی، ترجمه و در دو نوبت بخواند. سفیر کبیر وقت ایران در ترکیه، در گزارش مفصلی، اطلاعاتی در باره این اولین گوینده فارسی در اختیار قرار داده است!

... پاره‌ای کلمات را درست به فارسی فصیح نمی‌گفت.